

اقدامات حضرت علی علیه السلام در ایجاد وحدت جامعه مسلمین

مرضیه باباخان^۱، راحله صانفی^۲

چکیده

اختلاف برای جانشینی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، شکاف عمیقی در جامعه اسلامی ایجاد کرد. دشمنان داخلی و خارجی با استفاده از این موقعیت، برای نابودی کامل دین اسلام تلاش کردند. حضرت علی علیه السلام به عنوان اولین فرد منادی وحدت جامعه اسلامی، وارد میدان شدند و با رفتارها و گفتارهای خویش، خط بطلان بر نقشه های دشمنان دین کشیدند. این مقاله در دو بخش گفتارها و رفتارهای امام علیه السلام نقش امام علیه السلام در ایجاد وحدت مسلمانان را بررسی می کند. سیره امام علیه السلام برای جهان امروز اسلام اهمیت زیادی دارد تا با الگوگیری از آن و با ایجاد وحدت و جلوگیری از اختلاف میان مسلمانان، به عزت اسلام و مسلمانان ببانندیشند و این مسیر را سریع تر طی کنند.

واژگان کلیدی: امام علی علیه السلام، وحدت، جامعه مسلمین.

۱. مقدمه

جامعه اسلامی پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دچار اختلاف شدیدی در خلافت شد. گروهی معتقد به جانشینی بلا فصل حضرت علی علیه السلام شدند و گروهی دیگر بر این باور بودند که رسول خدا صلی الله علیه و آله کسی را برای منصب خلافت تعیین نکردند. این اختلاف، باعث نابودی دین اسلام شده و زحمت ها و رنج های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را از بین می برد. در میان این اختلاف و درگیری، حضرت علی علیه السلام شیوه خاصی را در پیش گرفت که هم وحدت امت اسلامی حفظ شده و هم حقایق بازگو شود. دستورات صریح خدای متعال و توصیه های مکرر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای حفظ اتحاد و پرهیز از تفرقه و دودستگی، جایگاه وحدت را در آیین اسلام مشخص می کند. امام علی علیه السلام نیز که دست پرورده رسول خدا صلی الله علیه و آله بود، به خوبی به اهمیت وحدت جامعه مسلمین واقف بوده و اهتمام خاصی به حفظ وحدت در جامعه مسلمین داشت. بنابراین، این سؤال به ذهن می رسد

۱. مدرس گروه تاریخ اسلام، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، دانشجوی دکتری مدرسی معارف دانشگاه باقرالعلوم، از ایران.

۲. دانش پژوه دکتری تاریخ اسلام، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، از ایران.

که اقدامات حضرت علی علیه السلام در ایجاد وحدت جامعه مسلمین، چه بوده است؟
 وحدت، از مفاهیم مهم دین اسلام است که هر تلاش مشروع و هر گذشتی، برای رسیدن به آن ضروریست و هیچ چیز پیکرنج دیده امت اسلامی را مانند تفرقه و پراکنده‌گرایی، آزار نمی‌دهد. وحدت، مایه بقای جامعه و رسیدن به آرمان‌های والای دینی و ملی است، پس برای ایجاد و حفظ آن باید بسیار تلاش کرد. با پژوهشی در تاریخ زندگی حضرت علی علیه السلام و مطالعه رفتارها و گفتارهای وی، شدت تلاش ایشان برای وحدت و انسجام اسلامی روشن می‌شود. اهمیت وحدت در بافت جامعه امروزی ایران نیز پیش از پیش احساس می‌شود. ایران اسلامی متشکل از قوم‌های مختلف ترک، لر، فارس، بلوچ و ترکمن و کرد است که ایجاد وحدت و همبستگی بین آنان از مسائل مهم جامعه است. بررسی گفتارها و رفتارهای وحدت بخش امام علی علیه السلام راه‌گشای مسئولان خواهد بود. اهمیت این پژوهش، در تلاش برای برقراری روابط مسلمانان است که در عین اعتقاد به اصول خویش، روابط اجتماعی صمیمانه‌ای با یکدیگر داشته باشند.

تاکنون پژوهش‌های متفاوتی در مورد این موضوع صورت گرفته است. کتاب‌های وحدت جوامع در نهج البلاغه نوشته آیت الله جوادی، روابط امام علی علیه السلام و خلفا به روایت نهج البلاغه نوشته رجبی و موسوی و رهدار، امام علی علیه السلام و همگرایی اسلامی در عصر خلافت نوشته علی اکبر احمدپور به نوشته حاضر شباهت دارند، اما باید گفت که کتاب وحدت جوامع، به گفتار امام علی علیه السلام و بحث فلسفی اتحاد پرداخته و به رفتارهای امام علیه السلام توجهی ندارد. در کتاب روابط امام علی علیه السلام و خلفا، شیوه ارتباط ایشان با خلفا و دیدگاه امام علیه السلام در مورد مسئله خلافت اسلامی و رابطه نص و بیعت بیان شده است. در نوشته احمدپور نیز بیشتر به رفتارهای امام علیه السلام در دوران سه خلیفه پرداخته و به گفتارهای امام علیه السلام در زمینه وحدت، اشاره‌ای نشده است. در پژوهش حاضر مطالب در دو بخش سخنان حضرت علی علیه السلام و رفتارهای حضرت در ایجاد وحدت جامعه بررسی می‌شود. در بیان مباحث سعی شده تا نقش حضرت علی علیه السلام در ایجاد وحدت و کاستن اختلاف‌ها و پیشبرد اهداف جامعه اسلامی مشخص شود.

۲. سخنان حضرت علی علیه السلام

وحدت و انسجام امت را می‌توان از بزرگ‌ترین نعمت‌های الهی دانست که بنا به فرموده امام علی علیه السلام از منت‌های والای خداوند بر مردم بوده که نمی‌توان ارزشی برای آن تصور کرد. آن حضرت می‌فرماید:

خداوند بر این امت اسلامی بروحیت و برادری منت گذارده بود که در سایه آن زندگی

کنند. نعمتی بود که هیچ ارزشی نمی‌توان همانند آن تصور کرد؛ زیرا از هر ارزشی گران قدرتر و از هر کرامتی والاتر بود. (رضی، ۱۳۸۱، ص ۳۹۶)

امام علی علیه السلام بزرگ‌ترین عامل عزت و سرافرازی امت‌های پیشین را، اتحاد و اتفاق آنان دانسته و بالاترین عامل شکست و ذلت و سقوط ایشان را، تفرقه و جدایی و اختلاف آنها دانسته و می‌فرماید:

از کیفیهایی که بر اثر کردار بد و کارهای ناپسند بر امت‌های پیشین فرود آمد، خود را حفظ کنید و حالات گذشتگان را در خوبی‌ها و سختی‌ها به یاد آورید و بترسید که همانند آنها باشید. پس آنگاه که در زندگی گذشتگان مطالعه و اندیشه می‌کنید، عهده‌دار چیزی باشید که عامل عزت آنان بود و دشمنان را از سرراهشان برداشت و سلامت و عافیت زندگی آنان را فراهم کرد و نعمت‌های فراوان را در اختیارشان گذاشت و کرامت و شخصیت به آنان بخشید، که از تفرقه و جدایی اجتناب کردند، و بروح‌دلتی و همدلی همت گماشتند و یکدیگر را به وحدت واداشته به آن سفارش کردند. و از کارهایی که پشت آنها را شکست و قدرت آنها را در هم کوبید، مانند کینه‌توزی با یکدیگر، پرکردن دل‌ها از بخل و حسد، به یکدیگر پشت کردن و از هم بریدن، و دست‌از‌یاری هم کشیدن، بپرهیزید. (رضی، ۱۳۸۱، ص ۳۹۲)

خطر تفرقه و تنازع به قدری بزرگ است که خدای سبحان نهی از آن را مانند دستور به اقامه دین، جزء شریعت همه انبیای اولوالعزم قرار داده است، چنان‌که در قرآن کریم می‌فرماید:

شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ.

آیینی را برای شما تشریح کرد که به نوح توصیه کرده بود، و آنچه را بر تو وحی فرستادیم و به ابراهیم علیه السلام و موسی علیه السلام و عیسی علیه السلام سفارش کردیم، این بود که دین را برپا دارید و در آن تفرقه ایجاد نکنید. (شوری: ۱۳)

امام علی علیه السلام با آگاهی بر اهمیت وحدت و ضرورت پرهیز از تفرقه می‌فرماید:

مبادا در دین دورویی ورزید، که همبستگی و وحدت در راه حق، اگرچه کراهت داشته باشید، از پراکندگی در راه باطل، اگرچه مورد علاقه شما باشد بهتر است؛ زیرا خداوند سبحان نه به گذشتگان و نه آیندگان، چیزی را با تفرقه عطا نفرموده است. (رضی، ۱۳۸۱، ص ۳۳۸)

یعنی ضرورت پرهیز از تفرقه به حدی است که حتی اگر مردمی اتحاد و اتفاق را دوست نداشته و به آن معتقد نباشند، باز هم اگر با هم‌کیشان خود توافق و تراضی کنند، برای آنها بهتر است و به خیر و صلاحشان نزدیک‌تر، به جای اینکه به اختلاف و تفرق بپردازند. امام علیه السلام حتی به قتل تفرقه‌کنندگان حکم می‌دهد:

همواره با بزرگ‌ترین جمعیت‌ها باشید که دست خدا با جماعت است. از پراکندگی بپرهیزید، که انسان تنها بهره شیطان است، آن-گونه که گوسفند تنها طعمه گرگ خواهد

بود، آگاه باشید هر کس که مردم را به شعار تفرقه و جدایی دعوت کند، او را بکشید هر چند که زیر عمامه من باشد. (رضی، ۱۳۸۱، ص ۲۴۰)

امام علیؑ در نامه ای به فرزند گرامی خود امام حسن علیؑ فرمود:

ای حسن، به تو و همه فرزندان و خاندانم و هر که این وصیت نامه به دستش رسد وصیت و سفارش می‌کنم به پروای از خداوند، مبادا نامسلمان از دنیا روید، همه با هم به رشته خدا، یعنی قرآن چنگ زنید و پراکنده نشوید. (حرانی، ۱۴۰۴، ص ۱۹۸)

امام علیؑ که خود این نصایح سعادت بخش را به مردم زمان خود و تمام مسلمانان می‌دهد، خودش هم نخستین کسی بود که به سخن خویش عمل می‌کرد. امام علیؑ این‌گونه به ابو موسی اشعری می‌نویسد: «پس بدان در امت اسلام، هیچ کس همانند من وجود ندارد که به وحدت امت محمد ﷺ و به انس گرفتن آنان به همدیگر، از من دل سوزتر باشد. من در این کار پاداش نیک و سرانجام شایسته را از خدا می‌طلبم» (رضی، ۱۳۸۱، ص ۶۱۸).

امام علیؑ همواره در پی تحقق وحدت و انسجام جامعه اسلامی بودند. اسلام، بقا و ثبوت خویش را بیش از آنکه مدیون شمشیر علیؑ باشد، مدیون سکوت و تحمل ایشان است. حضرت درباره دلایل سکوت خویش می‌فرماید: «به خدا سوگند اگر بیم وقوع تفرقه میان مسلمین و بازگشتشان به کفر و تباهی دین نبود، رفتار ما با آنان به گونه‌ای دیگر بود» (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، ۳۰۷/۱). حضرت علیؑ بارها رجوع به خداوند را در مسائل مورد اختلاف بیان کرده و می‌فرماید: «چون سخن خوارج را درباره حکمیت شنید فرمود منتظر حکم خدا درباره شما هستم» (رضی، ۱۳۸۱، ص ۹۴). همچنین پس از جنگ جمل می‌فرماید:

عایشه، پس افکار و خیالات زنانه بر او چیره شد و کینه‌ها در سینه‌اش چون کوره آهنگری شعله‌ور شد. اگر از او می‌خواستند آنچه را که بر ضد من انجام داد، نسبت به دیگری روا دارد، سرباز می‌زد، به هر حال احترام نخست او برقرار است و حسابرسی اعمال او با خدای بزرگ است. (رضی، ۱۳۸۱، ص ۲۸۸)

امام علیؑ درباره فدک و غاصبین آن می‌نویسد: «آری از آنچه آسمان بر آن سایه افکنده، فدک در دست ما بود که مردمی بر آن بخل ورزیده و مردمی دیگر سخاوتمندانه از آن چشم پوشیدند و بهترین داور خداست» (رضی، ۱۳۸۱، ص ۵۵۲) و در نامه‌ای به معاویه خداوند را داور معرفی می‌کند: «تا خدا میان ما داوری کند و او بهترین داوران است» (رضی، ۱۳۸۱، ص ۵۹۴).

این دیدگاه در دوران حاضر نیز می‌تواند مورد استفاده قرار بگیرد و مسلمانان مسائل اختلافی مربوط به صدر اسلام را اسباب تفرقه، جدایی و پراکندگی امت اسلام قرار ندهند. با تأسی به امام علیؑ داوری بین اختلاف‌ها را به خدا واگذار کرده و جامعه را به سوی سعادت و کمال پیش

ببرند. وحدت مسلمانان آنقدر مهم است که امام علیه السلام از حق خود و همسرش گذشت، ناکامی‌ها و ناروایی‌ها را تحمل کرد، اتحاد و اتفاق مسلمین را بر خود و همسر و فرزندان خود مقدم داشت و راه صبر را پیش گرفت، صبری که درباره‌اش فرمود: «پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه‌تر دیدم. پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلو من مانده بود و با دیدگان خود می‌نگریستم که میراث مرا به غارت می‌برند» (رضی، ۱۳۸۱، ص ۴۴)

امام علی علیه السلام با بیانات مختلفی، وحدت جامعه اسلامی را گوشزد کرده و بر اهمیت آن تأکید می‌کند. بنابراین، در رفتارهای خود نیز این مهم را رعایت کرده و به همگان می‌آموزد که حفظ دین اسلام، از همه امور واجب‌تر است.

۳. رفتارهای حضرت علی علیه السلام

رفتار و روش حضرت علی علیه السلام در حوادث صدر اسلام و خلافت خلفای راشدین، گواه محکمی بر اثبات این موضوع است که حضرت با اعتقاد به حقانیت خویش در امر جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله و بیان آن، در مقابل خلفا قرار نگرفت. امام علیه السلام با اقداماتی مانند بیعت و مصالحه با نظام حاکم، ارائه مشورت‌های فراوان در مقاطع مختلف به خلفا، ترغیب پیروان خویش به همکاری با آنها، مشارکت در امور قضا و جانشینی در مدینه در غیاب خلیفه، تلاش‌های فراوان در قضیه عثمان برای ایجاد صلح و پرهیز از کشتن وی، سعی در دوری از تفرقه و تضاد میان مسلمانان کرد. قبل از ورود به رفتارهای امام علیه السلام در این بخش ابتدا وضعیت قلمرو اسلامی بعد از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله بررسی می‌شود تا اهمیت رفتار امام علیه السلام در این دوره مهم تاریخ اسلام مشخص شود.

۴. وضعیت سرزمین‌های اسلامی در سال دهم هجری

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در دوران حضور خویش، با جنگ‌های متعددی روبه‌رو شد و فرصت کافی برای آشنایی بیشتر مردم با دین مبین اسلام و شناساندن آن به توده مردم را نداشت. هرچند رسول خدا صلی الله علیه و آله در موقعیت‌های مختلف، احکام اسلام را بیان کرده و خاتمیت خود را نیز بازگو می‌کرد، اما بعد از وفات ایشان، جامعه اسلامی مبتلا به مدعیان نبوت شد و در قسمت‌های مختلف، افراد مختلفی ادعای نبوت کردند. بسیاری از مردمان مناطق مختلف نیز از اسلام برگشته و به اصطلاح، به مرتدین معروف شدند. در منابع مختلف تاریخ اسلام از مدعیان نبوت و مرتدین سخن آمده مانند تاریخ طبری که از حوادث سال ۱۱ و وقایع آن خبر می‌دهد و از کذاب العنسی و مسیلمه کذاب و طلیحه بن خویلد الاسدی نام برده و از مردمان هوازن و سلیم و عامر و بحرین و عمان به

عنوان مرتدین خبر می‌دهد. (طبری، ۱۳۸۷، ۱۸۴/۳)

بعد از وفات پیامبر ﷺ، جامعه اسلامی در وضعیتی نابهنجار، در حال از هم گسیختن و شکاف بین مسلمین بود. اختلافات مدینه به دلیل خلافت و جانشینی رسول خدا ﷺ به جزا بین رفتن اسلام، نتیجه دیگری در پی نداشت، همان طور که حضرت علی علیه السلام بارها به آن اشاره کرد. مرزهای خارجی حکومت اسلامی نیز نا آرام گزارش شده است. فرستادن لشکر به مرزهای روم و شام توسط ابوبکر، این گزارش را تقویت می‌کند. (طبری، ۱۳۸۷، ۲۴۹/۳؛ مسعودی، بی تا، ص ۲۴۸؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵، ۳۳۶/۲) در چنین موقعیتی، امام علی علیه السلام با بصیرت بالای خود، تلاش برای وحدت اسلامی را آغاز کرده و همگان را به دوری از اختلاف دعوت کرد.

۵. رفتارهای امام علی علیه السلام

امام علیه السلام از همان ابتدای انتخاب ابوبکر، به رفتارهای اطرافیان برای جلوگیری از تفرقه توجه داشت. ابوسفیان پس از انتخاب ابوبکر، نزد امام علی علیه السلام آمده و می‌گوید: «دست خود را بده که با تو بیعت کنم. به خدا اگر بخواهی، من سواران و پیادگان خود را بر او، یعنی ابوبکر مسلط می‌کنم». امام علی علیه السلام امتناع کرده و فرمود: «به خدا تو در این گفتار جز فتنه چیز دیگری نمی‌خواهی. تو برای اسلام بسی فتنه و شر خواستی و برانگیختی. ما به نصیحت تو حاجت نداریم». (ابن اثیر، ۱۳۸۵، ۳۲۶/۲) عمر خلیفه دوم، در موارد متعددی از حضرت علی علیه السلام مشورت خواسته و امام علیه السلام نیز از ارائه مشاوره و راهنمایی به وی کوتاهی نمی‌کرد. عمر برای شرکت در جنگ با رومیان در سال ۱۵ هجری با امام علیه السلام مشورت کرد، آن حضرت فرمود:

خداوند به پیروان این دین وعده داده که اسلام را سربلند و نقاط ضعف مسلمین را جبران کند، خدایی که مسلمانان را به هنگام کمی نفرت یاری کرد و آنگاه که نمی‌توانستند از خود دفاع کنند، از آنها دفاع کرد، اکنون زنده است و هرگز نمی‌میرد. هرگاه خود به جنگ دشمن روی و با آنان روبه‌رو گردی و آسیبی بینی، مسلمانان تا دورترین شهرهای خود، دیگر پناهگاهی ندارند و پس از تو کسی نیست تا بدان رو آورند. مرد دلیری را به سوی آنان روانه کن و جنگ آزمودگان و خیرخواهان را همراه او کوچ ده، اگر خدا پیروزی داد، چنان است که تو دوست داری و اگر کار دیگری مطرح شد، تو پناه مردمان و مرجع مسلمانان خواهی بود. (رضی، ۱۳۸۱، ص ۲۵۲)

عمر درباره حضور خویش در جنگ با ایرانیان با امام مشورت کرد و امام فرمود:

جایگاه رهبر چونان ریسمانی محکم است که مهره‌ها را متحد ساخته و به هم پیوند می‌دهد. اگر این رشته از هم بگلسد، مهره‌ها پراکنده شده و هر کدام به سویی خواهند

افتاد و سپس هرگز جمع‌آوری نخواهند شد. عرب امروز اگرچه از نظر تعداد اندک، اما با نعمت اسلام فراوانند و با اتحاد و هماهنگی عزیز و قدرتمندند، چونان محور آسیاب، جامعه را به گردش درآور و با کمک مردم، جنگ را اداره کن؛ زیرا اگر تو از این سرزمین بیرون شوی، مخالفان عرب از هر سو تو را رها کرده و پیمان می‌شکنند، چنانکه حفظ مرزهای داخل که پشت سر می‌گذاری، مهم‌تر از آن باشد که در پیش روی خواهی داشت. همانا عجم اگر تو را در نبرد بنگرند، گویند این ریشه عرب است، اگر آن را بریدید آسوده می‌گردید و همین فکر سبب فشار و تهاجمات پیاپی آنان شده و طمع ایشان در تو بیشتر می‌شود. (رضی، ۱۳۸۱، ص ۲۶۸)

در داستان شورای عمر، هنگامی که وی شش تن از بزرگان صحابه را به شورا دعوت کرد، عباس بن عبدالمطلب از حضرت علی علیه السلام خواست تا در جلسه شرکت نکند، اما امام علی علیه السلام با اینکه نظر عباس را از لحاظ نتیجه تأیید می‌کرد، پیشنهادش را نپذیرفت و می‌گفت: «انی اکره الخلاف؛ من اختلاف را دوست نمی‌دارم». (ابن اثیر، ۱۳۸۵، ۶۶/۳) امام علی علیه السلام در موارد زیادی، برای پیش‌گیری از تفرقه و ایجاد وحدت و همگرایی، با خلفا همکاری کرده‌اند. اوج این همکاری‌ها در زمان شورش علیه خلیفه سوم عثمان است. امام علی علیه السلام بارها با شورشیان صحبت کرده و عثمان را نصیحت می‌کرد.

وقتی عثمان از فرود آمدن شورشیان خبر یافت، کسی را دنبال امام علی علیه السلام فرستاد و از او خواست که پیش آنها رفته و هر چه می‌خواهند از عدالت و خوش رفتاری تعهد کند. امام علیه السلام نیز نزد آنها رفت و گفت وگویی بسیار کرد که گفته او را پذیرفته و برگشتند، اما در میانه راه، غلام عثمان و نامه او را یافتند و خشمگین به مدینه بازگشتند و آب را به روی خانه عثمان بستند. امام علی علیه السلام آب به خانه عثمان رساند و حسنین علیه السلام را به نگهبانی از خانه گزارد. در حالی که صحابه‌ای مانند زبیر و طلحه، فرزندان خود را به جنگ با عثمان تشویق می‌کردند. (مسعودی، ۱۴۰۹، ۳۴۴/۲)

امام علی علیه السلام کارهای خود را این‌گونه توجیه می‌کند:

آن‌گاه که پیامبر صلی الله علیه و آله به سوی خدا رفت، مسلمانان پس از وی، در کار حکومت با یکدیگر درگیر شدند. سوگند به خدا، نه در فکر می‌گذشت و نه در خاطر می‌آمد که عرب، خلافت را پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله از اهل بیت او بگرداند، یا مرا پس از وی از عهده دار شدن حکومت باز دارند. تنها چیزی که نگرانم کرد، شتافتن مردم به سوی فلان شخص بود که با او بیعت کردند. من دست باز کشیدم، تا آنجا که دیدم گروهی از اسلام، بازگشته و می‌خواهند دین محمد صلی الله علیه و آله را نابود کنند، پس ترسیدم که اگر اسلام و طرفدارانش را یاری نکنم، رخنه‌ای در آن بینم یا شاهد نابودی آن باشم، که مصیبت آن بر من سخت‌تر از رها کردن حکومت بر شماست، که کالای چند روزه دنیاست و به زودی ایام آن می‌گذرد، چنانکه سراب ناپدید

شود یا چونان پاره‌های ابر که زود پراکنده می‌شود. پس در میان آن آشوب و غوغا به پا خاستم تا آنکه باطل از میان رفت، و دین استقرار یافته، آرام شد. (رضی، ۱۳۸۱، ص ۶۰۰)

امام علیه السلام در دوران حکومت خود نیز از خلفا با احترام نام برده و در نماز جماعت و جمعه آنها شرکت می‌کرد. (عاملی، ۱۴۰۹، ۳۸۳/۵) نمونه قضاوت‌هایی که حضرت در زمان خلفا انجام داد، مربوط به مرد شراب‌خواری بود که محکوم به حد شرعی شده، اما عذر آورده بوده که از حکم آن خبر نداشته و در نتیجه خلیفه از داوری ناتوان شده بودند. به امام علی علیه السلام رجوع کردند و امام پاسخ داد او را در میان انصار و مهاجرین ببرید. اگر روشن شد که کسی به او حرمت شراب را گفته، حد را بر او جاری کرده، در غیر این صورت او را رها کنید (کلینی، ۱۳۹۱، ۲۴۹/۷).

وحدت دینی و اخوت اسلامی، موضوعی است که اسلام بارها بر آن تأکید داشته و از پیروان خود خواسته تا از انجام هرگونه سخن یا رفتاری که به تفرقه و جدایی مردم بینجامد، دوری کنند و با تکیه بر اصول و مواضع مشترک، صفوف خویش را استوار کنند. سرافرازی و استقلال و اقتدار مسلمین، در سایه وحدت است و تنها با تکیه بر آن می‌توانند بر مهاجمان داخلی و خارجی پیروز شوند. حضرت علی علیه السلام با بصیرت خویش، دریافت که اصرار وی در مطالبه حق خویش از مخالفان و رویارویی با آنان، خطر تجزیه و پراکندگی در جامعه اسلامی را در پی خواهد داشت، پس با هدف حفظ وحدت و انسجام اسلامی، از حقوق خویش گذشته و سکوتی تلخ برگزید و از انشعاب و تفرقه پیش‌گیری کرد.

امام علی علیه السلام نه تنها خود، به وحدت مسلمین اهتمام داشتند، بلکه یارانش را به همکاری با دستگاه خلافت سفارش می‌کرد. مسعودی در این مورد می‌نویسد: «در پی شکایت و اعتراض مردم کوفه به سعد بن ابی وقاص که از سوی عمر، فرماندار این شهر شده بود، او سعد را برکنار و به جای وی عمار یاسر را به سمت فرماندار برگزید» (ابن اثیر، ۱۳۸۵، ۲۰/۳). فرمانداری سلمان در مدائن و حضور مالک اشتر در جنگ روم از دیگر نمونه‌های حضور و همکاری یاران امام با دستگاه خلافت است (مسعودی، ۱۴۰۹، ۳۰۶/۲؛ طبری، ۱۳۸۷، ۴۰۱/۳).

بنابراین، امام علی علیه السلام به حق، نخستین کسی است که دعوی وحدت را در جامعه اسلامی بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله سرداد. امام علیه السلام با بیعت با خلفا، از هرگونه دودستگی در جامعه جلوگیری کرد و به فرصت طلبان اجازه رخنه در صفوف مسلمین را نداد. ایشان با مساعدت‌های فراوان به خلفا، خود را از اتهام به تفرقه مبری ساخت و اختلافات و داوری را به خدا واگذار کرد. الگوی بزرگ جامعه اسلامی در وحدت، امام علی علیه السلام است. وحدت و انسجام اسلامی، ضرورت اساسی امت اسلامی امروز است. امام علیه السلام به ریسمان وحدت جنگ زد و برای بقای دین خدا و عزت

مسلمانان، مسیر اخوت و وحدت را در پیش گرفت. امروزه نیز با تکیه بر اصول دین و مشترک های مذاهب، می توان به وحدت جهان اسلام اندیشید و بار دیگر شاهد عزت و سربلندی مسلمانان بود.

فهرست منابع

۱. ابن اثیر، علی (۱۳۸۵). *الکامل فی التاریخ*. بیروت: دار صادر.
۲. ابن ابی الحدید، عبدالحمید (۱۴۰۴). *شرح نهج البلاغه*. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی رحمته الله علیه.
۳. حرانی، ابن شعبه (۱۴۰۴). *تحف العقول*. قم: جامعه مدرسین.
۴. رضی، مرتضی (۱۳۸۱). *نهج البلاغه*. قم: انتشارات الهادی.
۵. طبری، محمد (۱۳۸۷). *تاریخ طبری*. بیروت: دار تراث.
۶. عاملی، حر (۱۴۰۹). *وسایل الشیعه*. قم: آل البيت علیهم السلام.
۷. کلینی، محمد (۱۳۹۱). *کافی*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۸. مسعودی، علی (۱۴۰۹). *مروج الذهب*. قم: دار الهجره.
۹. مسعودی، علی (بی تا). *التنبیه والاشراف*. قاهره: دار صاوی.